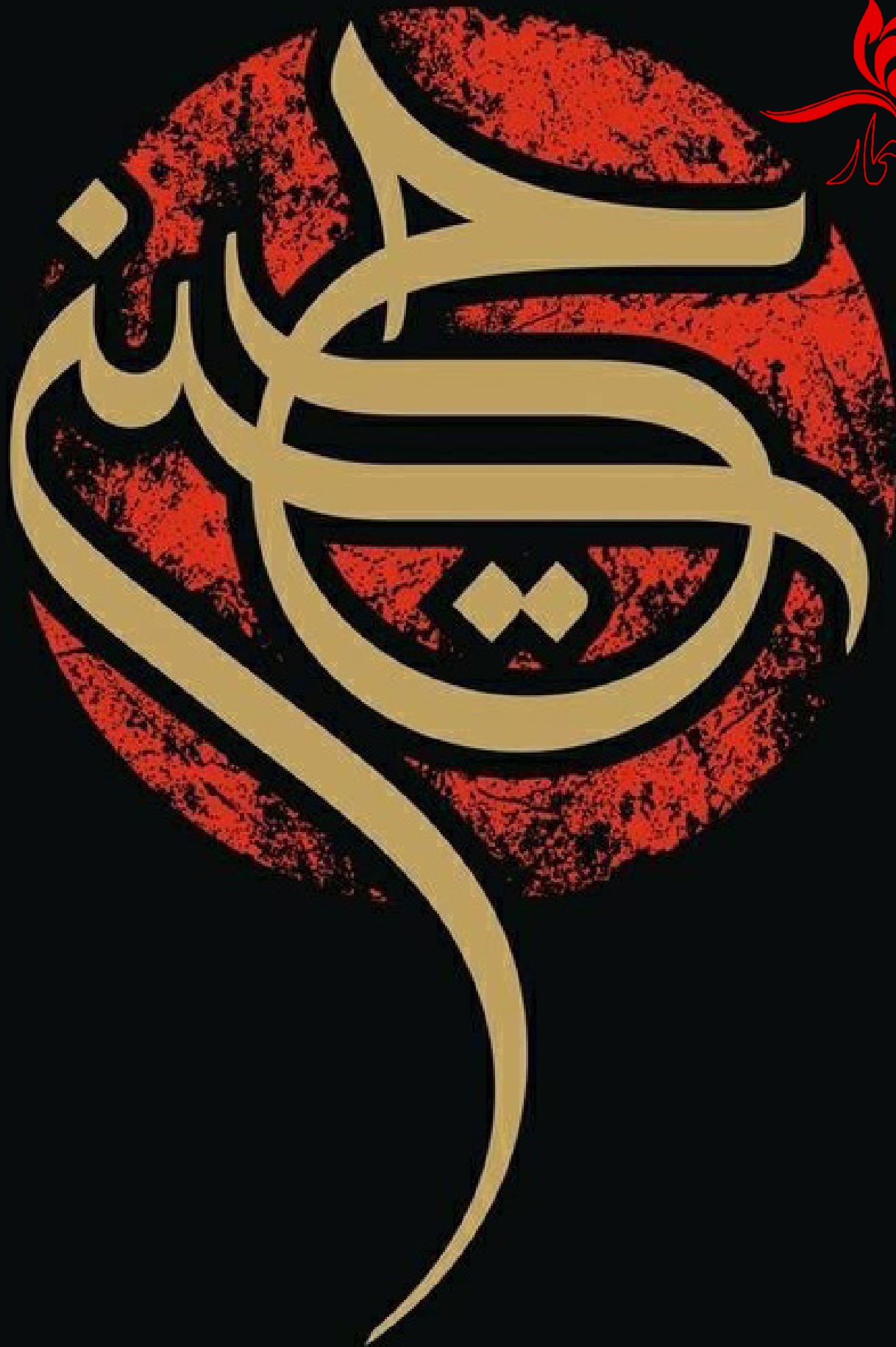




نشریه بسیج دانشجویی مزمـار – مردادماه ۱۴۰۱ – شماره ۵۱

حادثه‌ی کریلامثل خورشیدی بر تارک تاریخ درخشید؛
هنوز هم می درخشد، و تا ابد الدهر هم خواهد درخشید.

۱۳۷۲/۳/۲۶



یا ایوب اس بن اؤمن یا ایوب اس بن اؤمن مت سین شهر حرمین یا ایوب اس بن اؤمن یا ایوب اس بن اؤمن



شناسنامه

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی شیراز

مدیر مسئول: محمدامین علیدادی

سر دبیر: فاطمه شیرعسکریپور

هیئت تحریریه: امیرمحمد فقیه‌نژاد، علیرضا سیلانی، سید محمدعلی علوی، محمدهادی مرادی، مجتبی حمیدی، ریحانه

زارعی، نرگس کاظمی، مریم فردوس‌مکان، زهرا نصیری، زهرا مرنندی، سارا میرشکاری، مریم قاسمی

ویراستاران: فاطمه محمدی، مریم فردوس‌مکان

صفحه آرا: مرجان فرمانی

فهرست

۱۶	معرفی مستند	۱۰	درس عاشقی	۳	منشوری به نام قرآن
۱۷	کسب و کار ماه	۱۱	پاسدار وحی نبوی	۴	مقاومت اسلامی
۱۹	اسطوره‌های ماه	۱۲	حرکت اسرای کربلا به سمت شام	۶	درس‌های کودتای ۲۸ مرداد
۲۰	شعر	۱۴	معرفی کتاب	۸	وصف اهل کسا
۲۱	مسابقه ۵۱ مضماری	۱۵	اجتماع کوچک خوش‌بخت	۹	گزارش تصویری از فعالیت‌های بسیج

منشوری به نام قرآن

حقوق بشر! این ترکیب رو که می‌شنویم، مغز مثل سرچ تو گوگل می‌نویسه، منظور شما کدام است؟ حقوق بشر سازمان ملل، حقوق بشر آمریکا، انگلیس، فرانسه، حقوق بشر اسلام سعودی و ترکیه. مگر ما چند نوع بشر بر روی این کره‌ی خاکی داریم؟

پس چرا این همه تنوع حقوق بشر؟

برای مسلمانان، حق بشر بحثی اساسی است، نه فقط در مبانی نظری بلکه به لحاظ ساختار انسان‌شناسی، جهان‌شناسی و خداشناسی، حق بشر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

همچنین باید خاطر نشان کرد که اسلام و کتاب آسمانی مسلمانان، سهم ارزنده‌ای در راهنمایی انسان‌ها و توجه به حقوق بشر ایفا کرده است و اگر با دیدی کلی به اهداف حقوق بشر و تعلیمات دینی نگاه کنیم، خواهیم دید که ادیان الهی نقش بسیار مهمی در ارتقاء حقوق بشر داشته‌اند.

امام خمینی (رحمه الله علیه) نیز با توجه به این آیه می‌فرمایند: «اسلام این‌طور مرزهایی که (مرزهای نژادی) در سایر مسلک‌ها هست، ندارد. اسلام با صراحت می‌گوید که آنی که پیش خدا کرامت دارد، آدم متقی است.» از نظر اسلام، حقوق بشر از طرف خداوند به انسان اعطا شده است؛ چنانکه در قرآن می‌فرماید: «ما به بنی آدم کرامت بخشیدیم.» که در این‌جا کرامت اعطایی است و فارغ از نژاد، رنگ و قبیله، کرامت ذاتی به انسان اعطا فرموده. به دنبال این آیه

آمده است: «انسان را بر زمین و آسمان و دریا حاکم کردیم و این عزتی است که به انسان دادیم» و در جایی دیگر می‌فرماید: «ما انسان را خلیفه و جانشین خود قرار دادیم و سایر ملائک و فرشتگان باید به انسان سجده کنند» و از این‌جا روشن می‌شود که مبنا و منابع حقوق بشر در اسلام با نظام بین‌المللی متفاوت است. در نظام بین‌المللی عقیده بر این است که این حقوق، برخاسته از حقوق طبیعی و ذات انسان است که همراه انسان بوده و دولت‌ها آن را کشف کرده‌اند و در نگاهی دیگر، حقوق بشر؛ حقوقی تسلیمی است که دولت‌ها آن را وضع کرده‌اند و خودشان ضامن اجرای آن هستند. همچنین اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر با نادیده گرفتن ابعاد معنوی و پرداخت صرف به جنبه‌های مادی و طبیعی حیات بشری، همواره در تلاش است با نادیده گرفتن فرهنگ سایر ملل از جمله کشورهای مسلمان، ارزش‌های لیبرال-سکولار حاکم بر جامعه خود را در پوشش حقوق بشر بر جهان تحمیل کند. با وجود تفاوت مبنا و منابع، ممکن است اشتراکاتی میان حقوق بشر اسلامی و بین‌المللی وجود داشته باشد که قابل انکار نیست.

حقوق بشر در قرآن

یک قانون عالی و ارزنده، قانونی است که در مسأله حقوق بشر، طرح جامع‌تر و دقیق‌تری ارائه کند، با توجه به این حقیقت هرگاه به آیات قرآن در این زمینه می‌نگریم، عظمت قوانینش آشکارتر

می‌گردد.

قرآن در مسأله‌ی حفظ جان و مال و آبروی انسان‌ها، تا آن‌جا پیش رفته که جان یک انسان را همچون جان تمامی افراد بشر ارج می‌نهد و در این زمینه می‌گوید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»

هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد، در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه‌ی انسان‌ها را کشته و هرکس انسانی را رهایی بخشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را زنده کرده است. شبیه این تعبیر را در هیچ قانون دیگری نخواهید یافت.

قرآن در مسأله‌ی حقوق انسان‌ها، تا آن‌جا پیش می‌رود که اجرای اصل عدالت را در حقوق افراد یک جامعه بر همه چیز مقدم می‌دارد و هشدار می‌دهد که نکند خصومت‌های شخصی یا روابط دوستانه مانع اجرای عدالت گردد.

در یک‌جا می‌گوید: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا ۚ اَعْدِلُوا ۚ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ، مبدا دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه ترک عدالت بکشاند، عدالت پیشه کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است.» در نقطه‌ی مقابل آن، نسبت به تأثیر بر اجرای عدالت چنین هشدار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ ۚ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَلِلَّهِ أُولَىٰ ۚ بِهِمَا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره و همیشه قیام

به عدالت کنید. برای خدا گواهی دهید، اگرچه به زیان شما یا پدر و مادر و نزدیکان‌تان بوده باشد! (چرا که) اگر او (کسی که گواهی شما به زیان او است) غنی یا فقیر باشد، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند.»

از تأکیدهای فراوانی که قرآن درباره‌ی حمایت از ایتمام و نظارت دقیق بر وضع آن‌ها و سرپرستی از آن‌ها و اموال‌شان تا زمانی که بزرگ شوند، دارد نیز این مسأله روشن‌تر می‌شود در یک‌جا می‌فرماید: «أَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ؛ درباره

یتیمان قیام به عدالت کنید.» جالب این که در جای دیگر، حفظ و حمایت از یتیمان را هم‌ردیف توحید و مسائل دیگر انسانی قرار می‌دهد و می‌فرماید: «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينَ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ؛ به‌خاطر بیاورید هنگامی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم (پیمانی که سرمشق امت‌های دیگر نیز هست) جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و نسبت به پدر و مادر و یتیمان و بینویان

نیکی کنید و به مردم نیک بگویید، نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید.» گفتنی است که پنج دستور انسانی مربوط به حقوق بشر را در کنار دو برنامه که از مهم‌ترین برنامه‌های اسلام در زمینه اعتقاد و عمل است؛ یعنی توحید و نماز قرار داده است.

[جهت مطالعه منبع متن فوق اینجا کلیک یا لمس نمایید.](#)

امیرمحمد فقیه‌نژاد
کارشناسی علوم قرآن و حدیث

مقاومت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم
«هر شهری که توسط اسرائیلی‌ها محاصره شده را آزاد خواهیم کرد و اسرائیل را به سقوط می‌کشانیم.» این آخرین جملات حاج احمد متوسلیان، فرمانده تیپ ۲۷ محمد رسول الله (صل الله علیه و آله)، در صبح روز ۲۸ خردادماه سال ۱۳۶۱ در میدان صبحگاه پادگان زبدانی سوریه است.

در گذر یک ماه از تهاجم ارتش رژیم صیونیستی به لبنان، بیروت جنگ‌زده بر گرداگرد خود، محاصره‌ی اشغال‌گران را تجربه می‌کرد. «الیاس سرکیس» رئیس‌جمهور لبنان

در پیامی به همه‌ی دولت‌ها و مجامع جهانی درخواست امداد نظامی، غذایی، دارویی و سایر اقلام حیاتی را کرد و هیچ‌کس جز امام جمهوری اسلامی ایران، به این فریاد امدادخواهی لبیک نگفت.

هرچند که حضور رزمندگان اسلام در سوریه طولانی نبود؛ اما مقدمه‌ای شد بر کاشت نهال محور مقاومت

اسلامی.

اما محور مقاومت یعنی چه؟

محور مقاومت یا جبهه مقاومت عنوانی شد برای اشاره به ائتلاف منطقه‌ای نانوشته میان کشورها و قدرت‌های عمدتاً شیعه؛ مانند ایران، سوریه، عراق، یمن، حزب‌الله لبنان و گروه‌های نظامی شیعی افغانستان و پاکستان.

هدف اصلی محور مقاومت هم، پایان دادن به تسلط غرب در منطقه خاورمیانه با محوریت مبارزه با اسرائیل و دفاع از آزادی فلسطین است.

و اما چرا محور مقاومت؟

زمانی که جرج بوش (رئیس‌جمهور آمریکا) کشورهای ایران، عراق، سوریه و... را جبهه‌ی شرارت نامید؛ اصطلاح محور یا جبهه مقاومت در تقابل با این اصطلاح، توسط رهبران شیعی به‌کار برده شد.

حال این محور مقاومت بود که خاری در چشم تمام مستکبران و سدی در مقابل تمامی آن‌ها بود.

در زمان جنگ ۳۳ روزه لبنان که اسرائیل تصمیم به شخم زدن کشور لبنان و از بین بردن جوانان حزب‌اللهی آن داشت؛ این محور مقاومت بود که با سه ضلع؛ فرماندهی سید حسن نصرالله، شهید عماد مغنیه و شهید حاج قاسم سلیمانی، در برابر اسرائیل مردانه ایستاد و مانع از اشغال لبنان شد. در این جنگ ناجوان‌مردانه که اسرائیل نزدیک به ۵ میلیون بمب خوشه‌ای استفاده کرد و باعث نابودی ۱۵ هزار خانه‌ی لبنانی شد؛ کسی فکرش را نمی‌کرد که بعد از گذشت یک‌ماه اسرائیل مجبور به پذیرش آتش‌بس شود؛ اما کلید پنهان این آتش‌بس، حمایت محور مقاومت از حزب‌الله لبنان بود. از همان زمان بود که تصور عده‌ای از حضور ایران در جبهه مقاومت، صرفاً هزینه تراشی برای کشور بود و حضور ایران را محروم از هرگونه فایده‌ای میدیدند. همچنین زمانی که تروریست‌های

تکفیری داعش با
فریب مردم سوریه و
وعده‌ی رفاه و آزادی
وارد این کشور شدند،
کم‌تر کسی پیش‌بینی
می‌کرد که مقصد
آنها نه دمشق بلکه
تهران خواهد بود.
حتی رئیس‌جمهور
وقت کشورمان
به همراه عده‌ای
از سیاست‌مداران
ساده‌اندیش که اکثراً

از جبهه اصلاحات بودند، حتی به
مخالفت از کمک مستشاری ایران
به دولت بشار اسد برخاستند و
این فتنه عظمی را محدود به جنگ
داخلی می‌دانستند. متأسفانه حتی
زمانی که خود فرماندهان داعش
اقرار می‌کردند که قصدشان فتح
تهران و ایران هست، بعضی از
مسئولین و سیاست‌مداران، عاقلانه
و جاهلانه بر نظر خود پافشاری
می‌کردند.

در چنین شرایطی مقام معظم
رهبری (مدظله العالی)، معتقد به
پشتیبانی از دولت وقت سوریه
بودند و اهمیت حضور سوریه
در جبهه مقاومت را به خوبی
می‌دانستند؛ به همین دلیل سپاه
قدس با فرماندهی حاج قاسم
سلیمانی مأمور به دفاع از مردم
مظلوم سوریه شد.

ابتدا با حضور سردار همدانی بخش
مستشاری سپاه قدس در ارتش قُشَل
سوریه فعال شد.

اما با نزدیک‌تر شدن تروریست‌های
تکفیری به شهر دمشق و حرم
حضرت زینب (سلام الله علیها)
جوانان جان بر کف مدافع حرم



راهی سوریه شدند.

دواعش تا نزدیکی حرم مطهر پیش
آمده بودند؛ به حدی که فاصله
آنها تا حرم، تنها به چند کوچه
رسیده بود و حتی گلوله‌های
آرپی‌جی‌شان به گنبد حرم حضرت
زینب (سلام الله علیها) می‌رسید.
فرمانده داعش بر روی بی‌سیم
خود در نزدیکی حرم حضرت زینب
(سلام الله علیها) رجز می‌خواند و
می‌گفت که (حضرت) عباس کجایی
که ما حضرت زینب را از قبر بیرون
خواهیم کشید؟

در چنین شرایطی با حضور جوانان
مدافع حرم از کشورهای ایران، عراق،
افغانستان، پاکستان و آذربایجان و با
روحیه شهادت‌طلبی، تروریست‌های
داعشی از نزدیکی حرم و شهر
دمشق پا به فرار گذاشتند؛ اما
هنوز بخش زیادی از خاک و مردم
سوریه در اشغال آنها بود. سردار
عبدالفتاح

اهوازیان در مورد جنایات داعش در
سوریه تعریف می‌کرد که داعش
به منزلی در سوریه حمله کرد، در
حالی که در این منزل، چهار کودک
به همراه پدر و مادر در حال غذا
خوردن بودند، داعش سر یکی از

دختران که ۹ سال
بیش‌تر نداشت را
برید؛ به طوری که
خون این دختر بر
روی غذاها ریخت
و خانواده‌ی دختر را
مجبور کرد که این
غذا را به همراه
خون جگرگوشه‌شان
بخورند.

داعش نوزاد تازه به
دنیا آمده را از دستان
پدر و مادر می‌گرفت

و آنان را لخت می‌کرد و بر سینه‌ی
دیوار می‌چسباند و با نیزه، با این
بدن دارت بازی می‌کرد. داعش
شکم مادر باردار را در مقابل چشم
شوهرش پاره می‌کرد و شرط بندی
می‌کرد که فرزندی که قرار است
از شکم این مادر بیرون بیاید، دختر
است یا پسر!

شاید داعش به‌ترین مثال برای تمام
کسانی باشد که جبهه‌ی مقاومت
را مزاحم اقتصاد و استقلال ایران
معرفی می‌کنند. تصور کنید که
مقابله با چنین حیوانات وحشی در
سوریه و عراق صورت نمی‌گرفت و ما
در مرزهای غربی مشغول مبارزه با
آنها می‌شدیم؛ مطمئناً باید صدها
برابر هزینه می‌شد تا داعش نه
از مرزهای کشور همسایه ما بلکه
از مرزهای کشور عزیزمان ایران دور
می‌شد.

شادی روح شهدای مدافع حرم
صلوات.

درس‌های کودتای ۲۸ مرداد

«بعضی‌ها هستند که می‌گویند حالا یک‌جوری، مثلاً یک‌دُزّه، با آمریکا کنار بیاییم، شاید دشمنی‌شان کم‌بشود؛ نه، حتّی‌به آن‌هایی هم که به آمریکا اعتماد کردند، به آمریکا امید بستند، به سراغ آمریکا رفتند برای کمک گرفتن، رحم نکردند؛ مثل چه کسی؟ دکتر مصدّق. دکتر مصدّق برای این که بتواند با انگلیسی‌ها مبارزه کند و در مقابل انگلیس‌ها بایستد به خیال خودش، رفت سراغ آمریکایی‌ها؛ با آن‌ها ملاقات کرد، مذاکره کرد و درخواست کرد؛ به آن‌ها اعتماد کرد.»

«دشمن می‌خواهد در کشور هرج و مرج شود، بی‌ایمانی باشد؛ بی‌اعتمادی به حکومت باشد و در سایه این هرج و مرج و اغتشاش، یک دیکتاتوری مثل دیکتاتوری رضاخان را سر کار بیاورد؛ همان چیزی که یک‌بار در اوایل این قرن در دوره رضاخان و یک‌بار هم در ۲۸ مرداد در ایران تجربه شد. ۲۸ مرداد هم همین‌طور شد؛ گروهی از ایادی داخلی آن‌ها تبلیغات و جنجال و هیاهو راه انداختند و اغتشاش‌گران به خیابان‌ها ریختند. به‌دنبال آن، کنار زدن روحانیت و ناامیدی مردم و آمدن آمریکا بود و دیکتاتوری سخت و سیاه دوران محمّدرضا آغاز شد. امروز می‌خواهند آن کارها را بکنند.»

جملات فوق که سخنان رهبری در سال ۹۶ و ۸۱ است، نکته‌ی قابل تأملی دارد که از بطن سخنان، قابل فهم است؛ غرب در برابر ایران به کم‌راضی نیست و همه چیز ما را

می‌خواهد؛ ابزار رسیدن به هدفش نیز، رسانه است.

کودتای ۲۸ مرداد رخدادی کامل ضد منافع ملی ایران بود؛ زیرا استقلال نفت ایران که متصدی آن دکتر مصدق بود، منافع کشورهای استعمارگر را در مخاطره می‌انداخت و یک کودتا علیه مصدق می‌توانست ورق را به سمت شاه و در اصل آمریکا و انگلیس برگرداند. سازمان CIA آمریکا و SIS انگلستان، زمینه‌سازی و طرح‌ریزی کردند و سرلشکر فضل‌الله زاهدی مجری پروژه کودتا بود.

سازمان CIA به این مسئله طبق رویه خوداظهاری‌هایش در سال ۲۰۱۷ میلادی معترف شد و اسناد دست داشتن در کودتا را منتشر کرد؛ البته که سال‌ها قبل، باراک اوباما (رئیس جمهور ایالات متحده)، صریحاً نقش آمریکا را در ایجاد کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را بیان کرده بود.

اسناد منتشر شده CIA در مجله فارن پالیسی نیز چاپ شد.

[جهت مشاهده مقاله اینجا کلیک یا لمس نمایید.](#)

کودتای نظامی ۲۸ مرداد موجب قوی‌تر شدن محمدرضا پهلوی (شاه فراری ایران) شد؛ زیرا قدرت او توسط دکتر مصدق تهدید و محدود شده بود. درس نخست آن حادثه برای امروز ما این است که درک کنیم در نگاه استعمارگر نیز، مصدق و پهلوی دوم در مقابل یک‌دیگر قرار دارند؛ اگر خود توان فهم وابستگی و دست‌نشانده بودن پهلوی را نداریم و سخن‌های پیرامون وادادگی پهلوی را باور نمی‌کنیم، حداقل بیندیشیم

چرا آمریکا و انگلیس با مصدق دشمنی داشتند؛ اما با پهلوی خائن دست دوستی دادند و او را در قدرت ثابت‌قدم کردند!

سخنانی که اکنون پیرامون حکومت پهلوی در افکار عمومی بخش عظیمی از جامعه رواج دارد، نتیجه تطهیر کردن‌های رسانه‌ای است که به‌علت ناکارآمدی‌های دولت‌های اخیر در مسائل اقتصادی، مورد پذیرش عوام الناس قرار گرفته است. و الا در دست‌نشانده و نوکر بودن محمدرضا پهلوی، تردید کردن جهالتی مرکب است.

درس دومی که می‌توان از کودتای ۲۸ مرداد گرفت، مربوط به نقش پروپاگانداپی است که توسط رسانه‌های آن روز، علیه مصدق ایجاد شده بود؛ مصدق ابتدا در جنگ رسانه‌ای شکست خورد و جایگاه خود را در بین مردم از دست داد. بعد از آن توانستند علیه او جنجال درست کنند و کودتا کنند. اساساً رسانه به‌طرز شگرفی قدرت وارونه نشان دادن حقایق را دارد. رسالت رسانه‌های امروزی اصولاً همین وارونه نشان دادن حقایق و جهت‌دهی و کنترل افکار جامعه است؛ نمونه‌ی بارز این روزهای نقش رسانه در افکار عمومی، مسئله‌ی حجاب اجباری در کشور است؛ پوشش‌هایی که بعضاً توسط اقشار مذهبی در رد قانون حجاب اجباری تشکیل می‌شود، سمبل یک فاجعه است. جایگاه حجاب اجباری در بازی رسانه‌ای شاید از فهم اکثر جامعه مستتر باشد. حجاب یک مسئله روبنایی است و نوع آن در

نتیجه طرز نگاه نسبت به مسئله دین و خانواده و جامعه است. برای القای تفکرات سکولار و آنتی ریجن نمی‌شود مستقیم سراغ اصل دین و تفکرات دینی رفت؛ بلکه در گام‌های نخست می‌بایست جایگاه احکام و مناسک دینی را مخدوش کرد؛ اساسا با تبدیل سبک زندگی جامعه دینی به سبک زندگی سکولار مواجه هستیم. این احکام و مناسک است که بخش عمده‌ای از سبک زندگی جامعه اسلامی ما را می‌سازد. احکام

واجب از همین جهت واجب‌اند که با عمل به آن، هرچند از روی اکراه و اجبار، موجب ایجاد تفکر اسلامی در فرد می‌شوند؛ نمازهای پنج‌گانه، یاد مداوم خداوند را ممکن می‌کنند و روزه، سختی و مشقت برای رضای خداوند را نهادینه می‌کند و زکات، بخشش را به انسان می‌آموزد. حجاب هم هرچند اکنون اوضاع وخیمی دارد و روز به روز نیز به وخامت اوضاعش افزوده می‌شود؛ اما نقش دروازه و سدی برای حریم

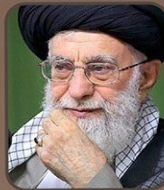
دین و خانواده را در جامعه ایفا می‌کند و برداشتن قانون حجاب اجباری، مصداق عینی پیروی از خطوات شیطان است که قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ...» (نور/۲۱)

سید محمدعلی علوی
کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

کودتای ۲۸ مرداد فرجام اعتماد به آمریکا

TASNIM NEWS

مصدق برای مقابله با انگلیس، به آمریکا تکیه کرد و همین خوش بینی و ساده اندیشی و غفلت او، زمینه ساز موفقیت کودتای آمریکایی شد. کودتایی که همه زحمات ملت را در ملی کردن نفت به هدر داد.



۱۳۳۲



وصف اهل کسا

در دلهای‌شان آشوب و دلهره بود؛ مسیحیان نجران را می‌گویم. آری، همان‌هایی که حضرت عیسی (علیه السلام) را خدا می‌دانستند و دسته‌ای قائل به تثلیث بودند! محمد (صل‌الله علیه و آله و سلم) در نامه‌ای آن‌ها را به اسلام دعوت کرده بود. آن‌ها دلایل و ادله‌های پیغمبر خدا را برای پذیرش اسلام نپذیرفتند و سرانجام تصمیم گرفتند محمد را دیدار کنند. در این هنگام بود که آیتی از پروردگار نازل شد و مسیحیان نجران را دعوت به مباحله نمود. وعده‌ی دیدار آن‌ها روز بیست و چهارم ماه ذی حجه بود. پیامبر خدا (صل‌الله علیه و آله و سلم) عبا بر دوش مبارک گرفت و حضرت امیرالمؤمنین

و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) را زیر عبا جا داد و گفت: «پروردگارا، هرپیامبری را اهل بیتی بوده، که مخصوص‌ترین خلق نسبت به او بودند. خدایا، اینان اهل بیت من هستند، از ایشان شک و گناه را برطرف ساز، و پاک کن ایشان را، پاک کردنی کامل.» آن‌گاه جبرائیل نازل شد و آیه‌ی تطهیر را در شأن ایشان فرود آورد. سپس رسول خدا عزیزانش را با خود برای مباحله به بیرون برد؛ مسیحیان با دیدن این صحنه ترس در وجودشان شعله کشید و جرئت بر مباحله را از دست دادند. آن‌گاه گفتند: اسقف ما می‌گوید: «تو را به روح عیسی مسیح، بگو آن دو کودک، دست‌هایشان

را بیاورند پایین. بگو آن خانم از زمین بلند شود. بگو آن بلندبالا که شانه‌به‌شانه‌ات ایستاده، نگاهش را از آسمان بگیرد.» اسقف ما می‌گوید: «این چهره‌هایی که من می‌بینم، اگر نفرین کنند، نسل ما از زمین بر می‌افتد. به آن‌ها بگو ما تسلیم هستیم.» و اما مباحله هنوز ادامه دارد! در آن روز بزرگ، امیرالمؤمنین (علیه السلام) انگشت خود را در رکوع به نیازمند بخشید. و همان روز بود که آیه‌ی (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ) در شأن آن حضرت نازل گشت. این روز شریف را باید در قلب‌ها حک کرد و دل‌ها را تا ابد به نور ولایت منور ساخت.

ریحانه زارعی
کارشناسی علوم قرآن و حدیث



* گزارشی تصویری از فعالیت‌های بسیج *

بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی شیراز صاحب یک دستگاه خودرو شد.

یک دستگاه خودروی پراید پلاک قرمز به شماره ۸۴۷ الف ۱۱، به تملک بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی شیراز درآمد.

علیدادی سرپرست بسیج دانشجویی این دانشکده بیان کرد: «با تلاش‌های فراوانی که در طول ۱۰ ماه گذشته انجام شد و با حمایت‌های جزیل و فراوان ناحیه بسیج دانشجویی استان فارس، زین پس خودروی پراید پلاک قرمز، به شماره ۸۴۷ الف ۱۱، در مالکیت بسیج دانشجویی دانشکده قرار می‌گیرد و تمام مسئولیت‌های حقوقی و حقیقی آن، بر عهده این مجموعه می‌باشد. ان‌شاءالله این خودرو، وقف در حرکت‌های جهادی و محرومیت‌زدایی خواهد شد و سرپرست‌های بعدی بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی شیراز، ملزم به استفاده از این خودرو در موارد مذکور می‌باشند.»

امام حسین علیه السلام
هر کسی گروای از مشکلات مومنی باز کند و مشکلی را برطرف نماید، خداوند متعال مشکلات دنیا و آخرت او را اصلاح می‌نماید.
(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۹۱)

اطعام و ویژه برنامه عید سعید غدیر

جمع آوری کمک های نقدی و غیر نقدی

با همکاری گروه های جهادی

صافه انصار الحسین (علیه السلام)، سلمان فارسی و شهید کبیر صفری نیار
و هیات فرهنگی مذهبی روضه الحسن (علیه السلام)

شماره کارت:

۶۲۷۳۸۱۱۱۱۶۹۱۳۱۰۸

شماره کارت: ۰۹۳۷۰۰۹۰۶۴۸

۰۹۳۰۵۶۳۸۰۵۳

همتی

سلطانی

امام علی (ع) با نیکو کردن، دل ها تصرف می شود (تائید صحت حدیث)

پیش به رسم مومنان

بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی شیراز با همکاری گروه جهادی نیار

جمع آوری کمک های نقدی و غیر نقدی برای تأمین بخشی از نیازهای دانشجویان و خانواده های نیازمند

شماره کارت:

۵۸۵۹۸۳۱۱۹۱۴۳۵۹۹

فانم محمدی

جلسه ترویج و معارف

حضور و مجازی

مستور بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی شیراز

دو شنبه ۱۰ مرداد زمان: ساعت ۱۲ ظهر

دانشکده علوم قرآنی مکان: سالن کنفرانس

لینک جلسه مجازی: <https://daneh.ir/demo/mod/lmskaranskyroomtwo/view.php?id=revv4>

همراه با جلسه نقد و بررسی فعالیت های یک سال گذشته بسیج دانشجویی



بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی شیراز

مقام معظم رهبری: لشکر جوانان مومن و انقلابی وارد میدان مطالبه آراءهای انقلاب شوند.

جلسه آموزشی مطالبه گری (روژه عموم دانشجویان)

با حضور سجاد جباری

دیر اسبق شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی استان فارس

زمان: پنجشنبه ۶ مرداد ۱۴۰۱ ساعت ۲۱

مکان: <https://daneh.ir/demo2/mod/lmskaranskyroomtwo/view.php?id=25279>



بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی شیراز

مقام معظم رهبری: لشکر جوانان مومن و انقلابی وارد میدان مطالبه آراءهای انقلاب شوند.

جلسه آموزشی مطالبه گری (روژه عموم دانشجویان)

با حضور سجاد جباری

دیر اسبق شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی استان فارس

زمان: پنجشنبه ۶ مرداد ۱۴۰۱ ساعت ۲۱

مکان: <https://daneh.ir/demo2/mod/lmskaranskyroomtwo/view.php?id=25279>

دوره مجازی سیر مطالعاتی

" کتاب قدرت و شکوه زن "

" در کلام امام و رهبری، با مقدمه علیرضا پناهیان "

• ویژه خواهران •

مدرس: سرکار خانم صادقی دوست
دکترای الهیات، مدرس حوزه و دانشگاه

زمان شروع دوره: ۸ مرداد ماه ۱۴۰۱
جلسه مجازی دوشنبه ها ساعت ۱۹

علاقه مندان به شرکت در دوره، نام و نام خانوادگی خود را به آیدی زیر در ایتا ارسال نمایند.

@Rezvani_basij

بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی شیراز

درس عاشقی

بچه تر که بودم محرم برام خلاصه می شد توی دیدن هیئت ها و کشف تفاوت های شان! بزرگ تر که شدم اذن خادمی دادند آقا و شب های محرم به هر نحوی بود، خدمت می کردم. توی همه این سال ها محرم برای من شروع حس و حال عجیب و بی نظیری بود که هیچ جایی تجربه نکرده بودم! کم کم فهمیدم این که می گویند بوی محرم می آید یعنی چه! هر چه به محرم نزدیک می شویم انگار آسمان بوی خون می دهد؛ انگار زمین عطش دارد؛ انگار باد پر از سوز و آه است! وقتی خواستم از محرم بنویسم هزار واژه قطار و هیچ کدام جمله نشد! نشد که کنار هم بچینم شان و وصف کنم این ماه پر برکت را! شاید قشنگ ترین تعبیر برای محرم *تحول* باشد. مثل بهار که می آید و سردی و خشکی درخت را می زداید. محرم که از راه می رسد عشق درون آدم شکوفه می زند. عشق به خالق که نه می توان از او گفت و نه می توان از او نوشت. خالق که می توان عمر و زندگی ات را، علی اصغر را، علمدار را فدایش

کنی. خدایی که می شود مونس دقیقه های آخر و لحظاتی که می بینی هیچ کس به اندازه او به تو نزدیک نیست و فقط اوست که می تواند دستت را بگیرد و از فرش تو را به عرش برساند؛ جوری که اگر هزاران سال هم بگذرد این نام تو باشد که می ماند. یه جایی هم راجع به لحظه های آخر زندگی امام حسین می گه: **خدا با عشقش مباحثات می کنه** **آقام تو گودال مناجات می کنه** و این یعنی یک عاشقانه تمام عیار، یعنی معنی دقیق بندگی. محرم که می شود مشکی می پوشیم و این ظاهر قضیه است. ظاهر است که مشکی رنگ غم و غصه و حزن و اندوه است اما باطناً دنیای متفاوتی دارد! لباس سیاهی که برای محرم می پوشیم به اندازه لباس احرام سفید است، این را دقیقاً بعد از شنیدن این بیت فهمیدم که می گفت: **نَوَيْتُ الْحَرَامَ** **پیرهن سیاه، احرامم** **مُحَرِّمِ شدم تو هیئت، ای حجة الاسلام** محرم یعنی روزه و روزه چیزی

فرا تر از گریه برای حسین است. هر اشکی که سرازیر می شود گناهی است که می ریزد و هر ناله از غم حسین، فریاد دادرسی است! آن ده شب اول انگار فرصت دوباره است برای خودسازی، برای این که نو کنیم آن جان و روحی که فرسوده ایم را! برای من غرق در دنیا کدام راه بهتر از راه خاندان حسین؟ دیر فهمیدم حسین کیست، دیر فهمیدم گره گشاست، دیر فهمیدم که هیچ کس به اندازه خودش نمی تواند رفیق باشد و همین است که ورد لبم شده، رفیقم حسین... البته نمی شود محرم را به حسین خالصه کرد. محرم پر از درس عباس، عقیل، حر، زینب، رباب، ام البنین، سکینه و رقیه است. **محرم از ابتدا تا انتهایش یعنی درس عاشقی و بندگی. یعنی بتوانی ام البنین باشی برای عباس، عباس باشی برای حسین، حسین باشی برای رباب.** **محرم را اصلاً نمی شود در معنا و مفهوم محصور کرد اما محرم یعنی سال دوباره. یعنی آغاز، یعنی زندگی.**

 نرگس کاظمی



* پاسدار وحی نبوی *



علی بن حسین بن علی (علیه السلام) مشهور به امام سجاد (علیه السلام)، چهارمین پیشوای شیعیان هستند و بنا بر قول مشهور در سال ۳۸ قمری متولد شده‌اند.

وی بخشی از حیات طویه امام علی (علیه السلام) و نیز دوران زعامت امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) را درک کرده‌اند.

امامت

امامت حضرت سید الساجدین با شهادت امام حسین (علیه السلام) در عاشورای سال ۶۱ قمری آغاز شد و تا زمان شهادت‌شان یعنی سال ۹۵ قمری ادامه داشت. مدت رهبری و امامت ایشان را ۳۴ سال گفته‌اند.

حاکمان دوره امامت امام سجاد (علیه السلام) عبارت‌اند از: یزید بن معاویه (۶۱-۶۴ق)، معاویه بن یزید (چند ماه از سال ۶۴ق)، مروان بن حکم (نه ماه از سال ۶۵ق)، عبد الملک بن مروان (۶۵-۸۶ق) و ولید بن عبد الملک (۸۶-۹۶ق).

واقعه جان‌سوز کربلا و اسارت ایشان

حضرت زین العابدین (علیه السلام) در واقعه کربلا و در روزی که سید الشهداء و یارانش به شهادت رسیدند، به شدت بیمار بود به‌گونه‌ای که در مواردی می‌خواستند او را به قتل برسانند؛ اما خواست خداوند آنان را از این کار منصرف کرد.

پس از واقعه کربلا، امام سجاد و اهل بیت امام حسین (علیهم السلام) را به اسیری گرفتند و روانه کوفه و شام کردند.

روشنگری‌های سید الساجدین و حضرت زینب (سلام الله علیها) چنان در روحیه مردم شام تاثیر گذاشت که انقلابی به پا کرد.

شامیان دریافتند کسانی که با چنین وضع فجیعی در کربلا شهید شدند، شورشی نبودند؛ آنان خاندان کسی هستند که یزید به‌نام وی بر مسلمانان حکومت می‌کند.

مؤذنِ دربار به یزید اعتراض کرد و با شگفتی پرسید: «تو که می‌دانستی این‌ها فرزندان پیامبر

هستند، به چه علت آنان را گشتی و دستور دادی اموال آنان را غارت کنند؟»

یزید در برابر سرزنش دیگران مجبور شد تا از موضع جابرانه و ظالمانه خود دست بردارد و از آن‌چه نسبت به خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام داده است، معذرت‌خواهی کند و مسئولیت شهادت امام حسین (علیه السلام) و یارانش را به گردن فرماندار کوفه یعنی عبید الله بن زیاد؛ پسر مرجانه بیندازد. ضمن اظهار ندامت از عملکرد خود و لعنت بر پسر مرجانه، از امام سجاد (علیه السلام) می‌خواهد که اگر درخواست یا پیشنهادی دارد، بنویسد تا آن را انجام دهد.

بدیهی است که اولین درخواست امام، سوگواری برای شهیدان به خاک آرمیده‌شان در سرزمین گلگون نینوا و بازگشت به شهر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

شهادت

روز شهادت امام سجاد نیز ۱۸، ۲۲ و ۲۵ محرم نقل شده که روز ۲۵ از شهرت بیشتری برخوردار است. در روایتی آمده است، امام سجاد (علیه السلام) بعد از این که به ایشان سَم خورانده شد، لحظه‌ای از هوش رفتند و دوباره به هوش آمدند و سوره‌های واقعه و زمر را خواندند و فرمودند:

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَ أَوْثَقَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»

«حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین (بهشت) را میراث



السلام علیک یا اید الساجدین یا علی ابن الحسین

ما قرار داد که هرجا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم؛ چه نیکوست پاداش عمل‌کنندگان.» (آیه ۷۴ سوره زمر) و سپس از دنیا رفت.

محل دفن امام سجاد (علیه السلام)

حضرت زین العابدین (علیه السلام) پس از تشییع باشکوه مردم مدینه، در بقیع که قبور بسیاری از اولیاء خداوند، همسران پیامبر، فاطمه بنت اسد و بسیاری از صحابه گران‌قدر پیامبر و تعدادی از شهدای صدر اسلام در آن قرار دارد، در کنار مرقد مطهر حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) عموی بزرگوارش، مدفون گردید.

در این قطعه از بقیع، عباس، عموی پیامبر نیز دفن شده بود و بعداً حضرت امام صادق و حضرت امام باقر نیز مدفون گردیدند. این بخش دارای قُبّه و بارگاه بوده ولی اکنون به دست وهابیون تخریب شده است.

قاتل حضرت زین العابدین (علیه

السلام)؛ حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) در زمان خلافت ولید بن عبد الملک به شهادت رسید. بنا به گفته‌ی عمر بن عبد العزیز، ولید که حاکم جَبّار و ظالمی بود، زمین را از جور و ستم لبریز کرده بود.

در دوره‌ی حکومت او، رفتار مروانیان و کارگزاران آن‌ها با دودمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، بنی هاشم و به‌خصوص امام سجاد (علیه السلام) بسیار ظالمانه و بی‌رحمانه بود و در نهایت ظلم، ایشان را به شهادت رساند.

یعقوب کربلا! چه قدر گریه می‌کنی

از صبح زود تا به سحر گریه می‌کنی

یعقوب را که غصه‌ی یوسف شکست

و تو

داری برای چند نفر گریه می‌کنی!

شهادت مظلومانه وارث نهضت عاشورا، حضرت سید الساجدین تسلیت باد.

مجتبی حمیدی

کارشناسی علوم قرآن و حدیث

حرکت اسرای کربلا به سمت شام

مادر سراسیمه به خیمه می‌آید؛ گریه امانش را بریده، امیر سپاه رفته بود، سردار رفته بود، خون علی اصغر رنگین کرده بود سرزمین نینوا را. چه‌گونه عمه صبوری می‌کند این همه سوز را؟

مادر! مگر علی اکبر چه کرد که او را پرپر کردند؟ او جوان بود، هم‌سن هم‌قد. مادر! چرا هم‌قد را کشتند؟ ابن علی مگر آدم صفاکی است؟ او که همیشه با ما مهربان و در همه حال لبخند بر لب داشت؛ پس چرا مردم می‌گفتند او خون‌ریز و بد است؟ سوالات من، مادر را بیشتر به

گریه انداخت.

صدای تاخت‌وتاز اسب‌ها ما را به بیرون از خیمه کشاند؛ آمدند. مادر! چرا آن مرد عمه را می‌زند؟ چرا رقیه را روی خاک می‌کشاند؟ به سوی مادر بازگشتم تا جواب سوالاتم را بیابم که آن مرد عرب به یک‌طرف صورت‌م سیلی زد و افتادم. مادر بر سر و صورت خود می‌زد تا نجاتم دهد؛ ولی یکی از سربازان او را با چادر می‌کشید.

چرا به صورت‌م سیلی می‌زنی؟ مگر ما چه کردیم؟ ما فقط از حسین پیروی کردیم، همین.

باید پناه می‌بردم به سوی مادر؛ لب‌گزیدم تا پرواز کنم به سوی چادر خاکی‌اش که گوشم را گرفت و گوشواره را دید؛ همان گوشواره‌ای که هم‌قد برادرم برایم خریده بود؛ آن را چنان از گوشم کشید که قطرات خون بر پیرهنم افتادند. درد آن لحظه مهم نبود؛ رقیه را چرا بر زمین می‌کشیدند؟ عمه کجاست ببیند دردانه برادرش را؟

اُمّ وَهَب را دیدم؛ صدایش کردم: «خاله، خاله کمک کن، این مرد گوشواره‌هایم را برداشته، من را پیش



مادر بپر...

ما را به یک صف کردند؛ صفی که فقط یک مرد داشت، آن هم علی بن حسین بود. دستان‌مان را بستند، پاهایمان را هم.

عمه! ما را کجا می‌برند؟ عمو عباس هم آن‌جاست؟ پدرم چه‌طور؟ رد اشک بر روی صورت عمه خشک شده. پاهایم دیگر نای آمدن ندارند.

شام؛ شهر اشرفی عرب که حاکمش یزید نام داشت.

مادر! چرا مردم، ما را این‌گونه نگاه می‌کنند؟ چرا زنان از روی پشت‌بام کل می‌زنند؟ ما عمو را از دست دادیم و عزاداریم.

مادر جانی در تن ندارد که جواب دهد سوالات من را.

چه خانه‌ی بزرگی! مادر می‌گوید اینجا قصر است، قصر یزید. او قاتل است. او برادرم را کشته؛ من او را دوست ندارم.

قوای زانوی عمه کم است ولی بازهم سر خم نمی‌کند جلوی این اشراف. ما را بر سکوی بلندی نشانند.

میزی را پر از طعام و نوشیدنی‌های گوارا دیدم. دهانم آب افتاد؛ یعنی



می‌خواستند ما را سیر کنند؟ آن غذاها برای ما بود؟ ناگهان همه‌ی اشراف بلند شدند و احترام گذاشتند. نکنند عمو عباس آمده؟

نه عمو نبود؛ همان مرد قاتل بود، همان یزید.

خاله! چرا زن‌ها چادر ندارند؟ چرا به ما می‌خندند؟ ما فقط چادرمان پاره شده و خاکی، همین.

عمه ایستاد؛ همچون کوه استوار و محکم.

سینی را به پیش آوردند؛ یعنی غذا هست برای ما؟

پارچه را که برداشتند از رویش، رقیه بر زمین افتاد و حال عمه زینب دگرگون شد.

مادر! مگر کسی قربانی را تشنه سر می‌برد؟ یا کسی انگشت را برای انگشت می‌برد؟

رقیه بعد از مدت‌ها کنار بابا نشسته و قصه‌ی این چند روز را برایش تعریف می‌کند: «باباجون، خوش اومدی قربون خاک قدمت، بیا تا درد دلم رو برات بگم. تموم راه عمه مراقب بود من به نیزه نگاه نکنم. تو رفتی و اون مردها خیمه‌ها رو آتیش زدن، ما رو کتک زدن. بابا جون! عمه رو خیلی زدن. به صورت همه سیلی می‌زدن. آه باباجون دردت به جونم. بابا! صورت مادر مگه چه‌طور بود که همه می‌گن من مثل او شدم؟ باباجون، داداش علی پیشته؟ چرا علی اکبر نیومد پیش من؟ همه بهم می‌گن یتیم؛ بابا! یتیم به کی می‌گن؟ مگه تو نرفتی سفر؟ مگه قرار نیست برگردی؟ این‌جا ما رو همش کتک می‌زنن.»

عمه از پا برخاست؛ همه چشم

شدند و به او خیره‌اند. چه افتخاری کند عمو به خواهرش که مادرانه پای رقیه ایستاد! پای همه‌ی ما ایستاد.

آهای شراب‌خوار، نشود دریا به پوز سگ نجس.

پسر مرجانه، تو امیری مثالا؟ علنا؛ از چشات معلومه ترسیدی پسر مرجانه، فاتح شام منم.

کمتر یاوه بگو، تو اسیری یا من؟

نیاز به معرفی نیست؛ ولی معرفی می‌کنم: زینب!

دختر مرتضی علی.

معرفی می‌کنم؛ یا علی، علی، علی.

پدرم بود که خورد از قدمش، کعبه شکاف؛

تیغ خود را وسط معرکه‌ها کرد غلاف

منبری که تو بر آن تکیه زدی، جای تو نیست.

تکیه بر جای بزرگان، نتوان زد به گزاف.

حال یزید دیدنی‌ست، با چشمانی

از حدقه بیرون زده و پر از عصبانیت و حرص، به عمه خیره است.

می‌بالد سجاد به داشتن چنین عمه‌ای، محکم و پیرکلام.

حجت الاسلام و المسلمین مصطفی آخوندی، عضو هیئت علمی

پژوهش‌کده تحقیقات اسلامی می‌گویند: «در واقع حضرت زینب

(سلام الله علیها) با دو جنگ مواجه بودند: یکی جنگ سخت کربلا و

دومی جنگ نرم و تبلیغاتی دشمن که بسیار مشکل‌تر از جنگ سخت است و حضرت زینب (سلام الله علیها) با هردو جنگ روبه‌رو شد، پایداری کرد و به پیروزی رسید.

* معرفی کتاب دختری با روسری آبی *

کتاب را که باز کردم، یادداشت‌های نویسنده در ابتدای کتاب، تمام ذهنم را به تسخیر خودش در آورد. «بعضی آدم‌ها مثل کوه هستند، بعضی مثل اقیانوس. آن‌ها که کوه هستند، دورادور می‌شود تمام قامت‌شان را یک جا دید. خوش می‌درخشند و پرهیت می‌مایند. آفتاب که پشت سرشان قرار گیرد، جلوه‌گری دیگری پیدا می‌کنند. ابرها وقتی تلاش می‌کنند خود را به شانه‌هایشان برسانند، عظمت آن‌ها بیش از پیش نمایان می‌شود و اما وقتی پا روی کمر کوه می‌گذاری دیگر چیزی از آن قد و قامت و هیبت و جلوه‌گری مشاهده نمی‌کنی. درست برعکس اقیانوس.

از دور یک زمین خیس مسطح است که آن سوتر تمام شده و چیز دیگری پیدا نیست، همه‌ی دارایی دریا آب است و آب که خودش قل می‌خورد و زیر پای تو قرار می‌گیرد؛ اما عظمت اقیانوس را وقتی می‌توانید درک کنید که سر تواضع فرود آورید و در اقیانوس فرو روید، مثل نقطه‌ای ناپیدا در گستره‌ی وسیع و

عمیق جهانی گم شوید که پیش از این چیزی پیدا نبود.» هر چه قدر فکر کردم منظور نویسنده را نفهمیدم، از این صفحه گذشتم و به سراغ صفحه بعد رفتم. نویسنده از یک بانو سخن به میان آورده بود، داستان برایم جالب شد، کتاب را خواندم و جلوتر رفتم، با شخصیت بانویی آشنا شدم که اگر بانوی این سرزمین بود، مردانه به پای آرمان‌های وطن‌اش ایستاد، بانویی از خطه شیراز اما متعلق به آسمان؛ کسی که با روسری آبی‌اش در به پیروزی رسیدن انقلاب سهم داشت و حتی از ذره‌ای کار برای خدا دست نکشید،

شهیده نسرين افضل، شخصیت کتاب دختری با روسری آبی.

نسرين افضل هم کوه بود، هم اقیانوس؛ کوهی از غیرت و اقیانوسی از مهربانی...

وقتی خواندن کتابم را به پایان رساندم عظمت سخن نویسنده را درک کردم.

با چنان شخصیتی آشنا شدم که تا عمق جانم رسوخ کرد.

و این چنین شد که تصمیم گرفتم

این شخصیت گرانقدر را به شما مضامری‌های عزیز معرفی کنم. کتاب دختری با روسری آبی خاطرات شهیده نسرين افضل از زبان دوستان، هم‌زمان و همسر آن شهیده به نویسندگی خانم فريبا طالش پور.

خانم نسرين افضل از زمانی که فقط یک دانش‌آموز دبیرستانی بود، فعالیت‌های انقلابی خود را آغاز کرد و به پخش اعلامیه در مدرسه پرداخت تا این که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و پس از آن نیز ایشان دست از فعالیت برنداشتند و به گروه‌های جهادی ملحق شدند و با شروع جنگ به مهاباد رفتند و پس از فعالیت‌های بسیار ارزنده در همان جا به شهادت رسیدند.

روحشان شاد...

با همه پرحرفی‌هایی که کردم، پیشنهاد می‌کنم که کتاب دختری با روسری آبی را بخوانید و لذت ببرید.

زهرا نصیری

کارشناسی علوم قرآن و حدیث

شهیده نسرين افضلی

همسرم بدان که من نسرين، کسی که تو را دوست دارد، شهادت را هم بسیار دوست می‌دارم، چون خدای خود را در آن زمان پیدا می‌کنم. از تو می‌خواهم که اگر می‌خواهی فردی خداگونه باشی و درس دهنده، از امروز و از این ساعت، سعی کنی تماس خود را با خدای خویش بیشتر کنی و همین طور معلمی باشی جدی.

همسرم تو را دوست دارم اما شهادت را بیشتر



http://dasma.blogfa.com

اجتماع کوچک خوش‌بخت

خانواده اولین رکن جامعه انسان‌هاست.

و اما رکن اصلی خانواده صداقت است و صداقت، عطر خوش‌بویی است. اگر از عطر صداقت استفاده کنی؛ دیگران لذت می‌برند و چه سیاستی به‌تر از صداقت. صداقت در کار، در رابطه، در اجتماع و در خانواده؛ چرا که صداقت، تنها کالایی است که همه جا قیمت دارد.

امیدوارم از عطر خوش‌بوی صداقت، همیشه استفاده کنید تا دنیا را برای خود و دیگران، خوش‌بو کنید.

و اما راز یک اجتماع خوش‌بخت، عشق است و عشق!

زندگی دایره است و خانواده مرکز آن و هر مرکز با وجود یکایک اعضای خودش بزرگ‌تر می‌شود و در نهایت زندگی گردتر و دل‌چسب‌تر.

هیچ خانواده‌ای کامل نیست، بحث دارد، دعوا دارد، سختی دارد. از من به شما یک توصیه کوچک:

همین الان در قشنگ‌ترین فنجانی که دارید، یک چایی تازه‌دم بریزید، خودتان را به آغوش خانواده‌تان دعوت کنید و طعم چایی دل‌انگیزتان را مزه مزه کنید. راستی می‌توانید در چایی خود دانه هلی، غنچه گل رزی، کمی بهار نارنج یا ذره‌ایی زعفران بریزید.

حال خودتان را خوب کرده و این عشق و خوبی را به تکتک اعضای درخت زندگی‌تان تزریق کنید.

این اجتماع کوچک که اسم آن خانواده است، تنها یک کلمه نیست؛ بلکه پناهگاه من است. من در تمام سختی‌ها، مشکلات، نرسیدن‌ها، ناامیدی‌ها مثل مُرده‌ای که گور خودش را در میان

زنده‌ها گم کرده و کسی صدای او را نمی‌شنود و یک متهم که در آخرین ردیف از دادگاهی نشسته و محکومیت جوانی را به ابد و یک روز در این جهان باید تمام کند، به خانواده‌ام پناه می‌برم.

آرام می‌شوم.

زنده می‌شوم.

آزاد و رها می‌شوم.

و جایی که در آن یاد گرفتم این‌گونه زندگی کنم.

شاد اما دلسوز!

ساده اما مهربان!

مصمم اما آرام!

متواضع اما سربلند!

مهربان اما جدی!

عاشق اما عاقل!

✍ زهرا مرندی
کارشناسی علوم قرآن و حدیث



* معرفی مستند زنانی با گوسواره‌های باروتی *



شهادت را نه در جنگ، در
مبارزه می‌دهند.
ما هنوز شهادتی بی‌درد
می‌طلبیم، غافل از این که
شهادت راجز به اهل درد
نمی‌دهند.

نور:

من نیومدم این عقب بشینم،
درسته این جا قبلا خط مقدم بوده
ولی الان دیگه نیست. من نیومدم
که پشت جبهه باشم، اومدم که
مردم و خانواده‌ها رو ببینم و از
سرنوشت‌شون مطلع بشم. ببینم
نیروهای مسلح چی کار می‌کنن؟
چون من که عزیزتر از قهرمانانی
نیست که دارن پیشروی می‌کنن.
واقعیت اینه که من نمی‌تونم فقط
نظاره‌گر پیشروی نیروها در خط
مقدم باشم و خودم کاری نکنم!
باید برم جلو.

و بچه‌های چشم در انتظارش مانع
از رفتن او نمی‌شوند.

زنانی با گوسواره‌های باروتی،
مستندی در بحبوحه جنگ و نگاهی
نو به جنگ، ساخته رضا فرهنگند.
در این مستند با نور، خواهر شهید
مدافع حرم همراه می‌شویم تا

روایتی از زنان و کودکان داعشی در
کمپ‌های عراق ببینیم.
صحنه‌هایی که برای اولین بار
در قالب مستند به نمایش در
می‌آید. در این مستند تصاویری از
خانواده‌های داعشی را نظاره‌گر
هستیم که شوهران‌شان یا در جنگ
کشته شده و یا فرار کرده‌اند که
برخی از این زن‌ها خارجی هستند
که با وعده‌های پوچ و توخالی
داعش به عراق آمده‌اند و در آخر با
دست خالی به سمت کشورهایشان
روانه شده‌اند و برخی هم در
کمپ‌ها می‌مانند. در این مستند با
دو دسته از زنان رو به‌رو هستیم که
ماندن در این شرایط، باعث عذاب
آنان شده و یا خوشحال و راضی
هستند.

نور با دلسوزی تمام، پناهی برای
دل‌های آشوب برخی زنان و کودکان
می‌شود و با دردهای آنان درد
می‌کشد.

در گزارش نور از گفت‌وگویش با
زنان داعشی چیزی که باعث تحیر
و تعجب نور که هر دم ندای
انسانیت سر می‌دهد این بود که با
زنانی پشیمان و نالان مواجه نیست

و اعتقاد آنان این است که داعش
خوب است و با وجود آن‌ها زندگی
آرامی داشته‌اند و با رفتن‌شان
ناراضی بودند و نور در برابر
سرسختی بعضی از زنان داعشی
که دلیل وجود آن‌ها را در منطقه
می‌پرسد و جوابی دریافت نمی‌کند،
شدیدا احساس ناراحتی کرده و خود
را مذمت می‌کند که چند روز است
که با آن‌هاست و کاری نمی‌تواند
کند و این بر چشمان نور اشک و
بر تن او لرزه وارد می‌کند.

پیوند عمیق نور با بچه‌ها آن‌چنان
در مستند موج می‌زند که از راه
شناختن خود با گوش دادن صدای
قلب‌شان، آن‌ها را تشویق به فراموش
داعش و ذهنیت آن‌ها می‌کند.

داعش، آن علف هرز روییده شده
آن‌چنان که در دل‌ها و باورهای
برخی رسوخ کرده بود، حال با
مجاهدت‌های جوانان از جنس نور
نابود شده است.

سخن را همین‌جا خاتمه می‌دهم و
شما را به تماشای این مستند دعوت
می‌نمایم.

کسب و کار ماه



زیبا تهیه کنند و با قیمت مناسب که متأسفانه در حال حاضر چنین امکانی وجود ندارد.

با توجه به این که تولید ما در حال حاضر به صورت گسترده نیست ولی همان تعداد اندک هم که تولید می‌شه و عرضه می‌شه، واقعاً رضایت خریدار رو در پی داره. از مزیت‌های این کار به شمار میره و در درجه اول رضایت خداوند را در پی دارد.

مضمار: چند وقت هست که به این کار مشغول هستید؟

حدود ۸ سال هست که این کار رو شروع کردم و با سرمایه‌ی خیلی اندک؛ در شروع کار حتی س‌ردوز هم نداشتم بعد از چند مدت س‌ردوز را تهیه کردم.

مضمار: چند نفر به واسطه کار شما باهاتون همکاری دارند و شاغل هستند؟

در حال حاضر دو نفر با من همکاری می‌کنند.

مضمار: از سختی‌های کار برامون بگید.

بالاخره هر کاری سختی‌های خودش رو داره؛ در مورد این کار هم به دلیل حمایت نشدن از جانب مسئولین و خیلی مشکلات دیگر، افراد وقتی که وارد کار می‌شن از همان ابتدا انصراف می‌دن و دنبال اون رو نمی‌گیرن. یکی از مشکلات س‌رباز زدن تولیدی‌ها از تهیه مدل‌های اسلامی-ایرانی هست؛ برای این کار هم توجیهی مبنی بر عدم تقاضای بازار در مورد مدل‌های اسلامی دارند؛ در صورتی که این‌طور نیست و این رو ما در نمایشگاه‌ها به

مضمار: لطفا خودتون رو معرفی بفرمایید و ذکر کنید که در چه زمینه‌ای فعالیت دارید؟

فاطمه رضایی هستم. متأهل و دارای دو فرزند. در رشته حسابداری تحصیل کرده‌ام. کارهای هنری زیاد انجام می‌دهم؛ از جمله نقاشی، عروسک‌سازی و در کنار همه‌ی این‌ها خیاطی که به عنوان یک شغل هم برای من حساب می‌شه.

مضمار: چه انگیزه‌ای باعث شد که غرفه حجاب بزنید و در این حوزه فعالیت کنید؟

قبل از ازدواج کلاس‌های مختلفی می‌رفتم؛ از جمله کلاس آموزش خیاطی و با توجه به این که خیاطی و ریزه‌کاری‌هایی که در کنارش داره از جمله گل‌دوزی، نقاشی روی پارچه که همه این‌ها از هنر نشأت می‌گیره، منو بیشتر علاقه‌مند می‌کرد؛ علت دیگری هم داشت و اون هم متأسفانه پیدا نکردن لباس‌هایی که در شأن یک زن محجبه‌ی مسلمان باشه. حتی من برای دختر خردسال هم وقتی که به خرید می‌رفتم متأسفانه با دست خالی برمی‌گشتم اگر هم چیز مناسبی بود با قیمت‌های بسیار بالایی عرضه می‌شد و این که وقتی می‌دیدم خودم این توانایی رو دارم که لباسی در خور بچه‌ها تهیه کنم و با هزینه کم‌تر، مسلماً رغبت بیش‌تری پیدا می‌کردم برای کار خیاطی. دلیل سوم و اصلی دغدغه‌مندی در مورد افرادی که واقعاً دوست داشتن که لباس‌هایی مناسب و در عین حال

عینه می‌بینیم که مردم چه قدر از مدل‌های اسلامی استقبال می‌کنند.
مضماری: اگر به عقب برگردید باز هم این مسیر رو انتخاب می‌کنید؟

بله در صورتی که به عقب برگردم حتماً این کار رو انتخاب می‌کنم.
مضماری: درآمدتون چه قدر هست؟ راضی هستید؟

در صورتی که از طرف مسئولین حمایت انجام بشه و محلی رو به‌صورت دائمی برای عرضه پوشاک اسلامی در اختیار تولیدکنندگان قرار بدهند، مسلماً درآمد خوبی رو هم داره و این که در کنار این‌ها تعداد بسیاری از عزیزانی که مایل‌اند در

این زمینه همکاری کنند، می‌توانند وارد این کار بشن و کسب در آمد کنند.

مضماری: چه توصیه‌ای برای دانشجویانی دارید که قصد دارند کارآفرین باشند؟

متأسفانه در حال حاضر، دانشجویان طراحی لباس به‌سمت مدگرایی افراطی کشیده شدند و این در ذهن‌شون تداعی شده که هر چه‌قدر مدل‌های بی‌بندوبار و به دور از شرع و عرف طراحی کنند، موفق‌تر هستند.

اگر روی تاریخ لباس ایران نگاهی داشته باشیم، می‌بینیم که از همان ابتدا و حتی در زمانی که

هنوز اسلام به ایران نرسیده بود، لباس‌هایی کاملاً پوشیده و بسیار زیبا به تن می‌کردند.
در حال حاضر هم در صورتی که دانشجویان طراحی مد و لباس تلفیقی از لباس‌های ایرانی-اسلامی رو داشته باشند، مطمئناً موفق خواهند شد.

[جهت مشاهده و خرید محصولات در اینستاگرام اینجا کلیک یا لمس نمایید.](#)

[جهت مشاهده و خرید محصولات در ایتا اینجا کلیک یا لمس نمایید.](#)

مریم قاسمی
کارشناسی علوم قرآن و حدیث

راه نجات!

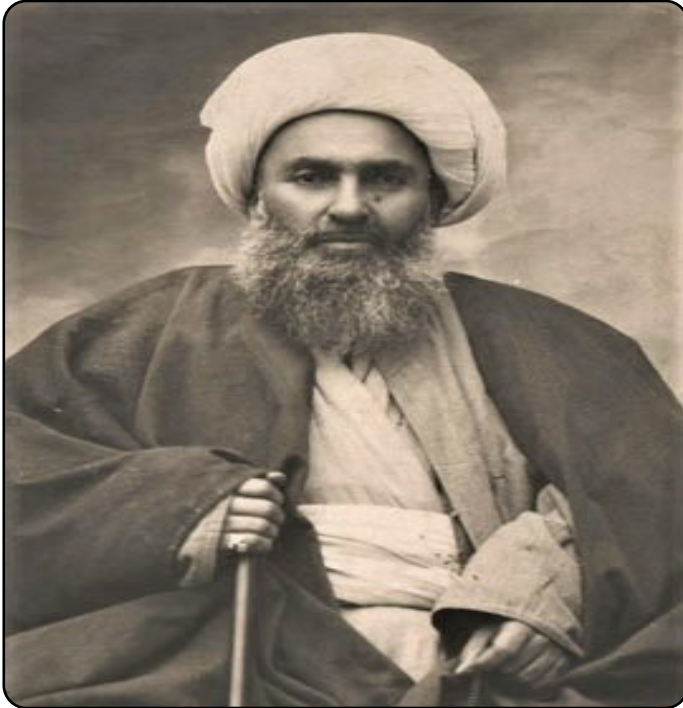
ما تعصب علیه دیگران نداریم، نمی‌خواهیم دشمنی کنیم؛ ما می‌خواهیم فرزندان، جوان و کارگر خودمان را سرگرم اشتغال کنیم، می‌خواهیم او را از مضرات بیکاری نجات بدهیم. بیکاری خیلی مضرات دارد؛ مضرات اجتماعی، امنیتی، اخلاقی و... این را می‌خواهیم؛ راهش همین حمایت از کالای ایرانی است. از کالا و تولید ایرانی، بایستی طرفداری و حمایت بشود.

عید ۱۳۹۷/۲/۱۰
بهرت‌قلب
نوبت



اسطوره‌های ماه

گردآورنده: محمدهادی مرادی - کارشناسی علوم قرآن و حدیث
جهت مطالعه زندگی‌نامه اسطوره‌ها بر روی اسامی آن‌ها کلیک یا لمس نمایید.



شیخ فضل الله نوری



شهید عباس بابایی



شیخ شهاب الدین سهروردی



محتشم کاشانی

ای راحتِ جانم حسین

«مریم فردوس مکان- کارشناسی علوم قرآن و حدیث»

آن مسلم؛ آن سرباز حق
نالد ز جور کوفیان
گوید نیا در کوفه، ای
سالارِ دین، جان جهان
من رخصتی خواهم ز حق
تا برکنم جامه ز تن
در ماتم آن نازنین
هر دم کنم ناله ز تن
یک دم برو در علقمه
بنگر تو زیبایی، همه
آن جا که شد دست سقا
از بهر طفلانش جدا
ای راحتِ جانم؛ حسین
روح و روانم یا حسین
از آتش عشق حسین
عالم همه برپا کند
هر ساله از نور حسین
جانها همه والا کند
آن جا که شد آن اکبرش
تازه جوان، روح پرورش
در جنگ اعدای دغا
عازم به میدان شد گلش
جنگید و از جانش گذشت
تا دین بماند سرفراز
هر دم کند یادش حسین
تا نام او باشد قرار
یک دم ببین سوز عطش
از حنجر آن کودکش
هم ناله شو از سوز دل
تو بر عزای اصغرش
ای تو همه خوبی و من
اندر کنار تو رهم
همه امید من بود
گن تو شفاعت بر دلم
سینه زنان از بهر تو
هر لحظه در سوگ و عزا
با مُزد و با آجری بود
این ماتم آلِ عبا



متون نشریه را مطالعه کرده و به سوالات زیر پاسخ دهید. سپس رمز جدول را که مجموع حروف دایره‌های قرمز است به شماره ۰۹۰۲۰۴۶۵۱۰۱ ارسال نمایید.

۱. رکن اصلی خانواده چیست؟
۲. با حضور سردار همدانی بخش سپاه قدس در ارتش فاشل سوریه فعال شد.
۳. شخصیت روایت‌شده در کتاب دختری با روسری آبی کیست؟
۴. طبق متن درس‌های کودتای ۲۸ مرداد، دشمن می‌خواهد در کشور و باشد.
۵. قشنگ‌ترین تعبیر برای محرم چیست؟
۶. فرمانده تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله در دوران جنگ که بود؟
۷. اصطلاح جبهه مقاومت در تقابل با جبهه شرارت توسط رهبران به کار برده شد.
۸. از نظر انسان، حقوق بشر از جانب خداوند به اعطا شده است.

*** به برنده مسابقه، سنگ حرم متبرک
هدا خواهد شد.***



برنده مسابقه ۵۰ مضماری

سرکار خانم آرزو رضایی

